

سوغات سفر

فضای شهری در همسایگی مسجد بایزید استانبول / پرستو عشرتی

مسجد بایزید یکی از مساجد قدیمی شهر استانبول می باشد که علاوه بر ارزش های معماری، مجاورت آن با بازار و دانشگاه استانبول اهمیت ویژه ای برای آن رقم زده است. فضای معنوی و آرام مسجد را یک فضای شهری کوچک به بازار پرهمه و شلوغ پیوند می دهد. فضایی که در تمامی ساعات شبانه روز به روی همه ی اقشار جامعه باز است و در آن تعامل اجتماعی رخ می دهد؛ یک فضای شهری که می توان آن را یک فضای جمعی موفق نامید؛ یک حیاط شهری برای حیات مدنی. حیاط چنان بر سر گذرهای اصلی قرار گرفته است که مردم محلی و گردشگران در مسیر رسیدن به مقصد یکباره خود را در آن می یابند؛ تعریف فضایی خاصی که مدیون محصوریت و مقیاس انسانی است، فرد را برای لحظاتی از عبور منصرف می کند و به مکث وامی دارد؛ دستفروشی با ریش بلند، گرداگرد باغچه ای که خاک تک درخت کهنسال چناری را در خود جا داده است، بساط گسترانده، بساط ساده های گاه مردم را بیشتر از مغازه های مجلل بازار به خود جلب می کند؛ تنه درخت هم دیواری می شود برای نصب پوستر. سکوی کنار دیوار مسجد، میلمان شهری چند منظوره ای می شود برای دستفروشان و مردم. سکویی در برابر صحنه ی نمایش زندگی صلح آمیز گریه های دست آموز حیاط در کنار کبوتران دانه برچین. دروازه ی کوچکی بازارچه ی کتاب هم جوار حیاط را قاب می کند. حضور مردم امنیت ایجاد می کند، امنیتی که کوچکی و پلان مستطیلی حیاط دو چندانش می کند. بدین گونه یک برنامه ریزی درست برای بافت تاریخی بی نیاز از افزودن چیزی به کالبد فضا، آن را به یک فضای جمعی ساده و صمیمی تبدیل می کند: یک فضای جمعی در همسایگی یک مکان تاریخی.



گره های دست آموز



کبوتران دانه برچین



بازارچه کتاب



چنار کهنسالی را جداره های مسجد بایزید استانبول و بازارچه کتاب مجاور آن در برگرفته اند. گرداگردش چند ردیف آجر بالا رفته اند تا خاکش را از سنگفرش محوطه جدا کنند. دستفروشان بر لبه این باغچه ی ساده و در پناه دیوارها بساط گسترانده اند، کبوترانی در سایه روشن درخت دانه برمی چینند، بی هراس از گریه های دست آموزی که همیشه آنجا بند. هر چند بهانه های ساده ای به نظر می رسند اما برای شکل گیری یک فضای جمعی موفق کافی بوده اند.



مسجد بایزید

فضای داخلی مسجد بایزید

بازار استانبول

بساط دستفروشان

